



ایران

امیدواری و نگرانی

هفته‌ای دیگر بر فرمانیت ماده‌ای مام خمینی گذشت و باروشنی بیشتری معلوم شد - همانطور که از آمار خاطرنشان ساخته بودیم - که نحوه برداشت از این پیام و چگونگی اجرای آن حدود یک صحنه تازه سردسین دوگرایش است. وجود و رویارویی این دو گرایش - این دو "خط" - موجب شده است که سرنوشت فرمان و سنج آن هنوز معلوم نباشد. انتظارات بحق مردم هنوز برآورده نشود. گاه اقداماتی اگرچه هنوز ناکافی در جهت تمسیر درست و مردمی از فرمان دیده شود و گاه تدابیری هشداردهنده، در جهت برداشتن تنگ نظرانه که میتواند بسود محافل سرمایه داری فارتگر تمام شود، مشاهده گردد.

نگرانیهای ناشی از این وضع و یادآوری سرنوشتی که برخی از پیمانها و فرامین سابق امام خمینی داشته، ارسوشی، و امیدهاهایی که توصیه‌های مکرر امام خمینی و موضع گیریهای برخی از مسئولان خط امامی می‌آفرینند، از سوی دیگر، وجه مشخصه رویدادهای هفته‌ای است که گذشت تشکیل می‌دهد.

دو این هفته ستاد دیگری فرمان، دستوری برای دریافت شکایات و تظلمات باز کرد، هیئتهای دیده‌گانه ای برای استانها - تمییز کرد (عده آنها احتمالاً به ۲۰ تا ۲۴ خواهد رسید)، چندین فرار از موران و داستان‌های انقلاب اسلامی را که تخطف کرده و از محدود و وظایف خویش پافراشته شده‌اند، عزل کرد. در همین مجال سناهیته شد، که تاکنون هیچ موران درجه چندم گرفتند یا امضا ندادند. در حالی که مسئولان ملی خطا کارهای همچنان بر سر کارند و حتی خود ستاد دیگری تشکیل داده‌اند و در نواختن پیام امام داد سخن می‌دهند! کسی که، بناحق، مدت نیم روز کارمندی را توقیف کرده، بحق عزل می‌شود (چرا هم دیگری نیز حتما داشته) ولی گمانیکه هفته‌ها و ماه‌هاست که افراد پزشماری را، بیگناه و بی‌گلت آنها از زمین مدامان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، دستگیر و زندانی کرده‌اند. همچنان می‌برند و می‌وزند. اشخاصی مسئله "رفع توقیف از اسوا" را نه به معنای رفع بیعدالتیها و اشتباهات بلکه به معنای بازگشت دادن اموال دزدی و از ارضی غصبی و مختلفات افراد باغوثی و فارتگر و فراریها و اکی درک و اجرامی کنند. اینها و نظایر اینها نگرانیهای ناشی می‌آفرینند، که ناشی از کوششی تب‌الود برای تمسیر غیر مردمی از فرمان امام خمینی و سپس فراموشی سپردن و عمل نکردن به آن است.

امام خمینی رهبران انقلاب در همین هفته چند بار به این مسئله مهم بازگشته و دستورهای مشخصی برای حسن اجرای فرمان صادر کرده‌اند. در ملاقات با اعضای ستاد دیگری، امام خمینی خواستار شدند که: "متخلفین چه در سطح دادستانها و قضاات و چه در سطح ادارات و وزارتخانه‌ها" تحت تعقیب قرار گیرند و تا کید کردند که: "تا کمال جدیت و قاطعیت عمل بشود و سنا معه در هیچ امری ابدان نباید بشود و آقایان بطور جدی معکمه تشکیل بدهند". امام خمینی خواستند که در برابر قاضی شروع و دادستان که کارهای خلاف شروع کرده، سکوت نشود و هشدار دادند که: "ما باید این بار ظلم را، که الان در سراسر کشور گاهی میشود با اشخاص، سب کنیم و از زمین ببریم". امام خمینی با زهم مشخصاً، معادیق عملی "جواز"ی، نظیر استمنا دادن برای اعمال فشار و تلفن کردن توسط اشخاص

که بواسطه اغراض فاسده "پارتی‌بازی می‌کنند را خاطر نشان ساختند.

توجه رفقا و هواداران را بویژه به سخنان آیت اله جنسی عضو شورای نگهبان و امام جمعه موقت قم در همین هفته جلب می‌کنیم، که موضع گیری بسیار روشن و قاطعی را ارائه داشت و در خطبه دوم نماز جمعه از جمله گفت:

"اگر بخواهند خلافتها را در رابطه با فرمان امام بررسی نمایند، باید از دانه‌های درشت شروع کنند... رسیدگی به خلافتها را باید از جایی شروع کرد که خلافتها سنگین تر است و احیاناً متخلف از ناحیه‌ها شسی حمایت میشود... اگر خلاف بزرگ جلویش گرفته شود خلافتهای کوچک قابل جلوگیری است. عدل اقتضای کند که خلاف بزرگتر را جلوگیری کنند... آهنگاران محتکران و گرانفروشان و آنها شکیه از این وضع زتن چنگ نا جوان مردانه سو استفاده میکنند، نباید خیالشان راحت شود و هرکاری بخواهند در بازار انجام دهند و هرچه بخواهند خون مردم را در شیشه کنند... نه. مراد از این فرمان آزاد گذاشتن ظالم نیست"

در کنار رهنمودهای امام و سخنان آیت اله جنسی در همین هفته، دیدیم که برخی از نمایندگان خط امامی مجلس نیز از "امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی" و از "امنیت خاطر و عدالت اجتماعی" و قضا شسی صحبت کردند و اینها را ستونهای اصلی و واقعی فرمان امام خمینی دانستند. برخی از نویسندگان نیز از لزوم مبارزه با تروریستهای اقتصادی و بهبود سرمایه داری سخن گفتند. با اینحال در بسیاری موارد، مقصود اصلی از "احساس امنیت" در پرده اینها ماند

و محتوای طبقاتی آن روشن نشد. کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی خطا به ستاد دیگری اما دگسی خود را برای همکاری و جهت هرگونه مساعدت به آن ستاد در جهت انجام وظایف محوله اعلام کرد. ولی از نتیجه عملی همکاری رگانی، که به رونده‌های بسیار از تخلفات و بی‌قانونیها و حق‌کشیها در اختیار دارد، خبری باز نیامد. سرفقاله کیهان، که میکوشید جان مایه صد سرمایه داری فرمان را خاطر نشان سازد، در مورد تبلیغات عدالت‌خواهی خارجی و داخلی یاد آور شد: "هدف فدا انقلاب ایجاد یک نوع پاس و ناامیدی در اندیشه و حرکت نسل جوان مسلمان و مسئولین پیرو اصل خط امام است، که هدفشان احقاق حقوق مستضعفان و اجرای عدل و قسط اسلامی است."

ولی همزمان با آن، خبر از ابطال احکام مطدرو املاک غیر منقول طاغوتیان و مستکبران و بازگشت دادن "متعلقات" ظالمان و فارتگران رسید. هنوز معلوم نشده است که "خیال راحت" برای سرمایه گذاران و از بهاد "تحت شرکتها" منظور نظر است، یا برای زحمتکشانی که حقوق حیاتی شان در قانون اساسی به ثبت رسیده؟ از هر دو طرف واژه‌های "تندرستی" و "زیاده‌روی" را با معانی بکلی متضاد به کار می‌برند و هدفیهای بکلی متضاد را دنبال می‌کنند و در واقع دو تمسیر مختلف از فرمان را ارائه می‌دهند.

همه اینهاست که بیم و امید در میان مردم آفرید و نشان داد که صحنه نبرد بین دو "خط" داغ است و هنوز تا انجام درست و قاطع فرمان و برداشست انقلابی و مردمی از آن فاصله هست. یکی از نمایندگان مجلس در این هفته گفت: "مسئولان رده‌ها لا، که میخواهند به ما با مراد اجرا کنند، همان افرادی هستند که ضعف و ناتوانی آنها در اجرای بهای گذشته امام محرز بوده است."

اشاره این نماینده مشخص نیست، ولی همین هفته این خبر نیز انتشار یافت، که هیئتهای باز سازی نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش (که آنهاه اخراج فایمه آمیز در آنجا صورت گرفته) خود سمیناری برای "حسن اجرای فرمان اصنام" تشکیل داده‌اند و شخص آقای وزیر آموزش و پرورش در سخنانش سخن گفته و مهم آنکه، نکته تازه‌ای در فرمان

۴  
امام نیافته و فقط گفته است: "بفرمان مجموعه-  
ایست از تذکرات گذشته!"

در این شرایط است که هتدار نماینده مجلس  
پیرمنا می‌شود، که گفت: "پیام امام مرحمتی بود که  
در لفاظیت طبعش هیچ‌خلاف نبود، اما آیا برادران  
مشغول کاری می‌کنند که انشاء اله خس نروید، بلکه  
لاله بروید؟ آیا پسرانگ کسانی رفته میشود، که  
دیوارشان کونا باشد؟"

و این نماینده در بیم خود نصیحت است آقایان  
ارئی همکاراومی گوید:

"متاسفانه همانها الان دست بکار اجرای پیام  
امام هستند، که انسان نمی‌تواند چندان خوشبین  
باشد که پیام امام بتواند آنطور که انتظار جامعه  
است، اجرا شود. من نمی‌دانم از همان افرادیکه موثر  
بودند در بوجود آوردن ناراضیها و ناراحتیها، همان  
ها انتخاب خواهند شد برای پیاده کردن این پیام؟ ما  
زیاد نمی‌توانیم امیدوار باشیم، که این پیام حالت  
پیامهای دیگر را نداشته باشد."

اینگونه موضعگیریها، که با زتاب نگرانی مردم  
است، از آنجا که توسط بخشی از حاکمیت بیان می-  
شود و نشانه‌ای از جدی گرفتن محتوای مردمی خطبیت  
که باید در پیش گرفته شود، همراه با برخی از سخنان  
اعضای ستاد دیگری و برخی از تدابیر عملی آنها در عین  
حال، امیدوارکننده نیز هست.

تعمیر درست و اجرای قاطع فرمان، امید می‌آفریند  
و تعمیر نادرست و مسخ فرمان بسود سرمایه داری و  
تروریسم اقتصادی و منحصر کردن محتوا فرمان به امور  
خصوصی و فرعی، بیم و نگرانی می‌زاید. این دو جنبه  
مستقیماً ناشی از وجود دو گرایش در حاکمیت و پیرامون  
آن، در همه مسائل اساسی انقلاب است.

انعکاس مقابله دو گرایش را تا اندازه‌ای در  
دو روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی، طی هفته‌ای که  
گذشت، میشد دید. یکی بر مصادیق عملی و درک صد  
سرمایه داری تکیه می‌کرد و دیگری کلیات فرمان را  
مهم میدانست و بندهای سه تا شش فرمان را "فرعی"  
چلوه گرمی ساخت. دایمه این رودرویی حتی به ستون  
های طنز دو روزنامه کشیده شد.

بجاست که در اینجا سخنان نخست وزیر را نیز  
یادآوری کنیم، که بر "عدم استفاده نامشروع افراد  
یا ارگانها از قدرت خود" تکیه کرد و تاکید نمود  
که: "در شرایط ناامنی و عدم اجرای قانون است، که  
منافع مستضعفین پایمال میشود و مردم بحق خود-  
شان نمی‌توانند برسند". و همچنین سخن آقای‌های  
نماینده مجلس را، که گفت: "چند پیام دادن و  
پشتیبانی کردن واقعا دردی را دوا نمی‌کند...  
دقیقاً باید ریشه‌یابی شود و یک جراحی واقعا اساسی  
بشود، جواب پیام اما مبرطرف شدن ناامنی اجتماعی  
و مبرطرف شدن ناامنی قضائی است."

در واقع هم به این مسئله اصلی هنوز پاسخ  
داده نشده است، از طرف بنی‌صدر، آنچنان که  
انتظار و امید میرفت، آیا مرحله سوم انقلاب یا  
محتوای بی‌تردید ضدکلان سرمایه داری و ضد بزرگ  
مالکی و با محتوای تامین آزادیهای سیاسی برای  
همه نیروهای انقلابی و طرفدار قانون اساسی،  
بالاخره آغاز خواهد شد، یا همچنان نیروهای  
مقتدر و متنفذی، در سیاست، اقتصاد، مانع آن  
خواهند شد و انقلاب را، در نیمه راه، عقیم خواهند  
گذاشت؟ سرنوشت فرمان، که در پیوندی جدانشدنی  
با قوانین بنیادی اقتصادی - اجتماعی قرار دارد  
می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد، و این پاسخ  
هنوز معلوم نیست. همه بیم‌ها و همه امیدها از  
اینجا می‌زاید.

### تصویب قانون واگذاری زمین

سه شنبه هفتم دی، قانون واگذاری زمین به  
تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به شورای نگهبان  
فرستاده شد. این روز می‌توانست در جامعه تاریخ

صیبن انقلابی ما باقی بماند و نهانه یکپروزی  
بزرگ انقلاب در راه رسیدن به یکی از مهمترین اهداف  
خود باشد. اما متنی که بتصویب رسیده، با آنکه  
موفقیت معینی برای خواستاران تحکیم و تعمیق  
انقلاب بشمار می‌رود، با آنکه در صحنه عظیم سرد  
خط‌ها و گرایشها دارای ارزش نسبی بسود مواضع  
مترقی و انقلابی است، با این حال از آنجه که شایسته  
انقلاب بزرگ ما و نیازهای حیاتی آن است، از آنجه  
که خواست حیاتی میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی  
است، فاصله زیادی دارد.

جامعه انقلابی ما بیش از سه سال است که شاهد  
مبارزه‌ای شدید و حیاتی در این زمینه حساس و اساسی  
بوده است (از من تاریخی شهبند با هزار جاسب  
شورای انقلاب، که وعده داد: ما فئودالیسم را  
ریشه کن خواهیم کرد و زمین به دهقانان خواهیم داد،  
سه سال و دو ماه می‌گذرد). فاسون اصلاحات ارضی، نا  
بدینصورت درآمده، مرازنشیبهای فراوانی را پیوسته  
است. دهقانان آگاه و مبارز و انقلابیون بسیار  
و قاطع با دشواریهای بسیار روبرو شده و با بیمردیها  
کرده‌اند، تا توانسته‌اند آنچه را که نجات دادنی  
بود - یعنی امکان ضربه زدن به اساس بزرگ مالکی  
- نجات دهند. قانونی که اینک در دست است نه تنها  
از سطح نیاز انقلاب ما، بلکه از سطح قانون مصوبه  
شورای انقلاب و حتی از متن اولیه مصوبه اسفند ۶۶  
نیز عقب‌تر است. در جریان نه ماهه اخیر و در کمیون  
ویژه و در بخشهای شوروم، نه تنها از فشار  
ضغف ناراضیهای مسخ‌کننده، متن اولیه جیسری  
کاسته شد، بلکه مهمترین آنها، علیرغم اصرار  
سمینار هیئت‌های هفت نفری، در متن نهایی حفظ  
شد، و حتی برای نقایص، در موارد متعددی افزود  
شد. با وجود همه اینها، اگر فاسون از خطر "ذبح  
شرعی" در شورای نگهبان بگذرد (علیرغم حق تشخیص  
ضرورتی که امام خمینی به اکثریت مجلس داده‌اند)  
و اگر آئین‌نامه قاطع و مناسبی برای آن تهیه  
شود و اکثر هیئت‌های اجرائی آن بطور جدی و بسا  
شایستگی عمل کنند، آنگاه می‌توان گفت که زمینه  
برای ضربه زدن به اساس بزرگ مالکی فراهم شده و امکان  
زمین‌ار کردن دهقانان، به زمین و کم زمین و رساندن  
حق به حقدار پدیدار گردیده است.

اما برای آنکه آن زمینه به تحقق پیوندد و  
این امکان به واقعیت بدل گردد، همچنان راه‌سی  
دشوار و نبردی سخت در پیش است، که نقش قاطع  
و تعیین‌کننده را در آن خود دهقانان و مبارزه  
آگاهانه و قاطع آنها ایفا خواهد کرد. بعبارت  
دیگر، با همه نقایصی که این قانون دارد، با همه  
گریزگاه‌هایی که برای بزرگ مالکان باقی‌گذاشته شده  
با همه بیراهه‌هایی که در برابر مجریان احتمالا  
منحرف‌کننده و مغرض یا سازشکار بازگذاشته شده،  
با همه استخوانهایی که لای زخمها گذاشته شده، با  
اینحال می‌توان گفت بشرطی که در عمل از رهنمود-  
های اصولی امام خمینی (سند دست‌پینه بسته دهقانان  
است، "ما نه طرفدار فئودالها هستیم نه طرفدار  
سرمایه‌دار") و از خط مستضعف‌پرور و عدالت‌جویانه  
امام پیروی شود - اگر بزرگ مالکان و ایادیشان  
در جوسازی و خرابکاری موفق نگردند و اگر در عمل  
هیئت‌های هفت نفری، برخوردار از حمایت یارانشان  
های انقلابی، بتوانند مانند گذشته در خدمت دهقانان  
تهدیدست‌گام بردارند، ستوان فقرات بزرگ مالکی،  
این پایگاه استعمار و ستم و فساد، این پایگاه  
امپریالیسم و فئودالیسم، این پایگاه فریب‌وفارت  
شکسته خواهد شد.

در واقع، هم‌اکنون و پس از گذشتن از معبر  
شورای نگهبان و تنگه تدوین آئین‌نامه، همه چیز  
وابسته است به عمل اجرائی نهادهای انقلابی، و  
در صدر آنها هیئت‌های هفت نفری، و ایستادگی انقلابی  
انها در برابر ترغیب‌ها و دسیسای عمال بزرگ مالکان  
که بیشک فزونی خواهد یافت، و بیش از آن وابسته

است به میزان حق طلبی و پایداری و متنازه خود  
دهقانان، که عامل اصلی و تعیین کننده در این شهر  
هستند.

اجرای قانون خود یک نبرد است. و در این  
نبرد، باز خط‌ها رو در روی یکدیگر خواهند ایستاد  
و حافظین نظام گذشته با چنگ و دندان از منافع طبقاتی  
بزرگ مالکان دفاع خواهند کرد. با سازشکاران و  
منحرف کنندگان علیه مسئولان متمم وزارت کشاورزی  
و روحانیون خط امامی توطئه‌ها خواهند کرد. باز  
شانتاژها و ارباب و وسیعتر و با زار تهمت و بربط  
دامتر خواهد شد. باز برای تغییر ترکیب هیئت‌ها  
و بی‌مختوا کردن فعالیت آنها، شبکه‌های فراوان  
خواهند شد.

متأسفانه متن موهبه چنان است، که اگر این  
تشنهات موثرانند، چیز زیادی برای دهقانان  
و برای اقتصاد کشاورزی ما باقی نخواهد ماند.  
باقی ماندن موارد "مزارع" و "آچاره" (انگال  
بهره‌گشایی خودالی و نیمه خودالی) و اولویت آنها بر  
"تملیک"، باقی ماندن اولویت و اگذاری زمینهای  
موات قابل احیاء بر زمینهای با پرونده‌های بزرگ  
مالکی (بندهای "د" و "ه")، معاف بودن زمینهای دام  
داری و مکانیزه شخصی و باغات (حتی اگر هم اکتسون  
احداث شود) از شمول این قانون، دادن پول به  
بزرگ مالک مجانی نبودن حتمی زمینهای واگذاری  
برای دهقانان، برداشت لیه و اگذاری مشاعی زمینها  
دست نزدن به زمینهای کمتر از چهار عرف، صرف نظر  
از اینکه مالک دخالت مستقیم در امر تولید و  
مدیریت داشته یا نداشته باشد، اولویت داشتن  
فروردین بزرگ مالک که ضرورت تأیید نمایندگان  
انتخابی هروستا در هیئت هفت نفری توسط نماینده  
وزارت کشور، دادن امکانات معدیه مهلت زمانی  
و کمک مالی به بزرگ مالکان، تعیین بهای "عادلانه"  
زمین، آچاره یا فروش تأسیسات و ماشین آلات کشاورزی  
بزرگ مالک به دهقانان، بستن دست هیئت‌ها و محدود  
کردن اختیارات کمی آنها و بسازی موارد دیگر،  
نقطه ضعفهای سنجیده‌ای هستند، که قانون را آسیب  
پذیر و راه عمل قاطع و انقلابی را دشوار و پرهیچ و خسته  
به این ترتیب، از هم اکنون می‌توان دقیقاً تکلیف  
کرد، که نیروهای انقلابی، نهادهای انقلابی و  
ارگانهای مسئول نقش حساس و رشد آگاهی طبقاتی و  
حق طلبی فزاینده دهقانان و مبارکت فعالان آنها در  
مقابله با مارتگری و زورگویی نقش تعیین کننده را  
در روند آینده اصلاحات ارضی میهن انقلابی مسا  
خواهند داشت.

اصلاحات ارضی برای ایران انقلابی از نظر  
سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک ضرورت تاخیرناپذیر  
است. بسیار گرچه در اینجا بهم متمل شده‌اند. توفیق  
انقلاب در گشودن این قلمه، سرآغاز تصرف مرصه‌های  
حیاتی نیز خواهد بود. اصلاحات ارضی بنیادی برای  
پیروزی همه انقلابهای ملی و دموکراتیک اهمیت نسبی  
قاطع دارد. انجام ریشه‌ای آن نه تنها محکمیروزی  
انقلاب و نشانه قاطعیت انقلابیون است، بلکه باز  
کننده راه و رقم زننده سرنوشت آینده و ملامت  
ریشه‌ای بودن، مردمی بودن و قاطع بودن انقلاب و نمایان  
گرا انجام یکی از اساسی‌ترین وظایف آنست.

روز هفتم دی می‌توانست چنین روزی در تاریخ  
انقلاب ما باشد. انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی  
ما، انقلابیون مسلمان پیرو خط امام، همه انقلابیون  
بیکسر، دهقانان زحمتکش و همه مردم ما آن توان  
را دارند، که در آینده تلاشهای واپسگرا و دسایس  
بزرگ مالکان و عمال آنها را عقیم گذارند و این  
وظیفه مهم را با انجام رسانند.

قانون کار باید با خواستهای کارگران و قانون  
اساسی مطالبات داشته باشد

پیش نویس موافق نبوده‌اند، زیرا آن را یک آبرو  
ریزی ارزیابی می‌کرده‌اند. در حقیقت هم مسووع  
اعتراض علیه این پیش نویس و روح ضد کارگری حاکم  
بر آن، با چاپ در جراید بالا گرفت. در ضمن معلوم  
شد که آقای توکلی، در متنی که در جراید منتشر  
کرده، سر خود، ۱۹ ماده را تغییر داده است یعنی  
در ۱۹ مورد، که هشت مورد آنها "انشائی" و ۱۱ مورد  
"ماهوی" است، بین متن تقدیمی به هیئت وزیران  
و متن منتشره تفاوت هست. بعلاوه یک تبصره هم  
افافه شده! مسلم است که این تغییر، کار گزوه  
نه نقره وزیران نیست، زیرا که این هیئت هنوز  
تشکیل نشده، وزیر کار یک قانون را به هیئت  
دولت برده و یک قانون دیگر را به جراید برای  
انتشار سپرده است.

این هفته اعلام شد که "خانه کارگر" در نظر  
دارد سمیناری با شرکت انجمنها و شوراهای اسلامی  
برای بحث درباره پیش نویس تشکیل دهد. تقریباً  
در تمام جلسات کارگران هم‌اکنون در این هفته،  
کارگران و مسئولان علیه متن آقای توکلی موضع گیری  
کردند. در کارگران کارخانجات جاده مخصوص کرج، یکی  
از مسئولان گفت: "متأسفانه هیچگونه حقوق جشایی  
برای کارگران در نظر گرفته نشده است" و خواستار  
قانونی شد، که "حقوق اجتماعی کارگران در نظر  
گرفته باشد". آقای محبوب عضو شورای مرکزی خانه  
کارگر گفت: "ما روی بندهای این قانون محبت  
داریم". کارگری گفت: "با این قانون به کارگران  
بیشتر ظلم میشود". در کارگران جنوب تهران پیش  
نویس پروژه انتقاد قرار گرفت و اعلام شد که: "این  
قوانین را دلالان مانده بوده و بنفع کارگران و مستضعفین  
نیست و در آن کوچکترین اشاره‌ای به تشکیلات  
کارگری نشده است". عضو شورای مرکزی کارگران  
های جاده قدیم کرج گفت: "این پیش نویس مغایر با  
اسلام فقاهتی و خواستهای بحق کارگران است". در  
این جلسه گفته شد: "ما انتظار داریم نظرات و  
پیشنهادات بحق کارگران را که بازها در کنگره‌ها  
و سمینارها مطرح کرده‌اند، مدنظر قرار داده و چهارچوب  
کلی این قانون را تغییر دهند".

پس کارگران، نه آرایش و تمجیح، بلکه تغییر  
چارچوب کلی قانون را طلب می‌کنند.  
در این زمینه، همچنین مقاله مبسوط روزنامه  
جمهوری اسلامی، شماره ۹۰ دی، جلب نظر می‌کنند که،  
خواندن آن برای همه رفقا مفید است، زیرا  
مستدلاً، سنگ روی سنگ متن آقای توکلی و نحوه  
برخورد و نتایج حاصله از آن باقی نمی‌گذارد.  
بدین ترتیب عملاً تلاش برای مسکوت گذاشتن  
بحث در مورد پیش نویس در محیطهای کار رخنش شده و  
خواست رسیدگی بموضوع و ریشه‌ها و عوامل آن قوت  
می‌گیرد. از هم‌اکنون راه پیشنهادی مشغول برای  
تدوین قانون کار جدید از سوی کارگران و تشکلهای  
صنعتی شدت گرفته است و نظریات درست در نامه‌ها و  
طومارهای کارگران انبکاس می‌یابد.

کارگران آگاه و انقلابی فعالان در همه اقدامات  
مربوطه و در جهت روشن کردن سایر کارگران و تند رازک  
سمینارها و جلسات و پیش اندیشه‌های مربوط به  
اصول قانون کار انقلابی مورد نظر شرکت می‌کنند. در  
ناحیه جنوب تهران، اندیشه شرکت نماینده کار  
گران در کمیسیون بررسی پیش نویس قانون کار و اندیشه  
آنکه وزیر کار باید خودش از بنده میلیون کارگر  
ایرانی انتخاب شود، مطرح گردیده است. در آن وب  
آهن املهان، کارگری به هیئت با ریدکننده از  
نحست وزیری گفت: "باید خط ناراضی تراش وجود دارد  
که می‌خواهد کارگران را از انقلاب زده کند". چنانکه  
ملاحظه میشود، نبرد بر سر دفاع از حقوق همه کارگران  
دباج از انقلاب در برابر منسخت کننده‌ها و ناراضی‌تران،  
همچنان ادامه دارد.

### هفته سواد آموزی

هفته سواد آموزی گذشته، معادف با سومین سال  
گرد تشکیل "تهفت سواد آموزی" بود. در ۷ دیماه  
۱۳۵۸، امام خمینی طی پیامی همه بسوادان را برای  
با دگیری و همه بسوادان را برای، یاد دادن فرا

در این هفته، مسئله پیش نویس ضد کارگری قانون  
کار، دستخست آقای توکلی و همکارانش همچنان  
در مرکز توجه محیط‌های کارگری و افکار عمومی قرار  
داشته از قرار بسیاری از مسئولان با انتشار

دند. امام خمینی در پیام خود نا کید کردند: "بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات غسته - شده برای مبارزه با بیسوادی بطور ضربتی و بسیج عمومی شما مکنیم".

کارنامه فعالیت سه ساله "نهفت سوادآموزی" کویای این واقفیت تلخ است. که پیام مهم امام خمینی در همان بیچ و خمهای اداری و تشریفات غسته کننده به فراموشی سپرده شده و تا کنون بر نامه باطرحی عملی بر اساس بسیج همگانی. جز در حرف و شمارا راه نکرده است. مجموع عملکرد "نهفت سوادآموزی" در طول این مدت، در برگزاری تعدادی کلاس و تهیه عده ای آموزش با بطور محدود و چاب مقداری کتاب درسی و پوستر خلاصه میشود. همین هفته، مسئولان دوست اندر کاران نهفت سوادآموزی گفتند: "بطور کلی از تشکیل تا پایان نیمه اول سال ۶۱ نهفت موفق شده است حدوداً ۱۰۰۰ نفر بیسواد را تحت پوشش قرار دهد که از این عده بیسواد، حدود ۴۹۴ نفر موفق به اخذ کارنامه قبولی شده اند". (جمهوری اسلامی، ۷۰ ماه). با توجه به آنکه به گفته خود آقای قراقرانی نماینده امام در نهفت سوادآموزی، "بیش از بیست میلیون پسر و دختر واجب التعلیم از بدو انقلاب تا کنون به مدارس راه نیافته اند، این تلاش محدود "نهفت" نتوانسته است گرهی از مشکل بزرگ بیسوادی بگشاید. از رقم نجومی ۱۶ میلیون بیسواد نه تنها کاسته نشده، بلکه این رقم افزایش نیز یافته است. پس از سه سال که از انقلاب می گذرد، هنوز بیش از ۶۰٪ مردم محروم ما بیسوادند. این رقم در میان زنان به ۷۵٪، در میان زنان نروستانی به ۹۲٪ میرسد.

ریشه کن کردن بیسوادی تنها از طریق یک برنامه دقیق علمی و انقلابی، با تکیه بر بسیج همگانی و اقصی با سوادان، از طریق سازمانهای خودمختار و شوراهای محلی در شهر و روستا و انواع تشکلهای کارگری و دهقانی، انجمنهای زنان و جوانان... آنهم بشکل ضربتی، امکان پذیر است. برنامه وسیع و توده ای سوادآموزی به کلی با انحصار طلبی و تشریحی منافی است. هرگونه انحصار طلبی و تشریحی در اجرای برنامه سوادآموزی کار راه شکست می کشاند. علیرغم آنکه مسئولین "نهفت"، از جمله آقای قراقرانی، بارها بر بسیج عمومی و استفاده از "همه با سوادان" تاکید کرده اند اما در عمل، در انتخاب آموزشیارچنان شرایط و ضوابط محدودکننده ای بر سر راه داوطلبین قرار داده اند، که تنها عده محدودی قادرند از مافی تنگ "نهفت" عبور کنند. در نتیجه "نهفت" با این مشکل روبرو میشود، که برای سوادآموزی همه مراجع - کنندگان، آموزشیار به اندازه کافی ندارد. در حالیکه نیروی قابل ملاحظه ای از مردم، به ویژه جوانان نبرشور انقلابی، اعم از دانش آموزان و دانشجویان به یکسایر، حاضرند و داوطلبانه در امر مبارزه با بیسوادی شرکت کنند. بنظر ما، تنها راه موفقیت و رسیدن به نتیجه مطلوب آنست که "نهفت سوادآموزی" به صورت یک جهاد ملی درآید و به قول امام خمینی، ایستادگان سراسر مدرسه شود. ارسوی دیگر، آموزش و پرورش نیز باید بتواند همسایه کلیه واجبات تعلیم های ۶ تا ۱۱ ساله را به مدارج جذب کند، در غیر این صورت هر سال بر شمار بیسوادان افزوده خواهد شد.

در همین حال، حل فطری مشکل بیسوادی، در جامعه، در گروه مبارزه بنهادی با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است، زیرا با بهبود وضع کارگران و بهالاف رفتن نسبی سطح زندگی در روستاها، از یکسو جذب همه بیسوادان، که اکثریت آنها از میان زحمتکشان هستند، امکان پذیر می گردد، و از سوی دیگر فرزندان آنها نیز مجبور نخواهند شد، که به جای حضور در کلاس های درس در کارگاهها و مزارع مشغول بکار شوند. حزب توده ایران، همچنانکه بارها اعلام و بدان عمل کرده است، وظیفه میهنی و انقلابی خود میداند که در این امر خطیر با تمام نیرو و مجاهدت، علیرغم همه سدها و مشکلات فعالانه شرکت کند. توده ایها، علیرغم دشواریها، از بدلهای گوناگونی که در هر جا و بهر شکل از دشمنان برآید، به نهفت سوادآموزی، به امر مبارزه با بیسوادان، به تشویق مردم برای سواد

آموزی، و از هرگونه یاری ملی و مستقیم، یا تبلیغی و غیر مستقیم، انفرادی یا از راه تشکلهای مختلف کوچک و بزرگ، معایقه نخواهند کرد. سنتهای حزب ما در این زمینه - که بموقع خود با سختی های فراوان روبرو بود و از سوی رژیم پهلوی و روحانی نمایان شدیدا مورد مخالفت و سرکوب قرار می گرفت - سختی گرانها و دیرینه است. ما وفادار به این سنتها، در شرایطی که علیرغم دشواریها و تنگنظری ها و انحصار طلبی ها، بسی مساعداً از گذشته است به این فعالیت خویش، متکثرانه، خلاقانه و ایستادگرایانه ادامه خواهیم داد.

### جزئی از نقشه برژینسکی

هفته گذشته، به بهانه روز ششم دی، در حالیکه خود مردم افغانستان با ضعف جشن فرارسیدن سالگرد تولد پنهان مبارکیزم تدارک میدیدند، و در نتیجه موفقیت های تازه ای که در مقابل به باغ انقلاب وابسته با آمریکا و خاندانها و فریبکاران و مسلمانان نماها بدست آورده بودند و گامهای تازه ای که در جهت رشد اقتصاد و انجام اصلاحات ارضی ریشه ای و ارتقاء سطح آموزش و بهداشت برداشته بودند، در محیط اطمینان به آید شده و اعتماد به نفس آماده شرکت در این جشن میشدند، در تهران گروهی افغانی علیه حکومت انقلابی افغانستان دست به تظاهرات زدند. متأسفانه مقامات ایرانی اجازه دادند، که این فراریان متظاهر، در پناه عکس امام خمینی رهبران انقلاب و عکس آیت الله منتظری، ماوا گزینند. مردم ما بسیاری را به گونه "مجاهدان" متظاهر را، به نفس و قاطع می گوی، فساد و دزدی، به آدمکش و نا موس ربا می شناسند و روزنامه صبح آزادگان هم - فردای تظاهرات - زیر عنوان "در خاشیه تظاهرات مبارزان" (علامت از خود روز - نامه است) به ماهیت آنان اشاره کرد. مقامات مسئول کشور ما نه تنها از چنین توهینی به عکس ناموفقیه عالی قدر منتظری رجا نش چنان فرادی جلوگیری نکردند، بلکه در شرایطی که برای هیچ حزب و سازمان و گروه هوادار انقلاب، ترتیب چنین تظاهراتی مجاز نیست به آنها که مورد نفرت اکثریت افغانیان شریف فراری داده شده بدست ضدانقلاب هستند، امکان دادند، که دست به تحریک و آشوب زنند، به سفارت اتحاد شوروی حمله برند و کار را به ایجاد تشنج و سوء استفاده از تظاهرات بکشانند، تا آنها که نیروهای انتظامی بناچار به گاز اشک آور و تیراندازی هوایی متوسل شدند. بی تردید صدها هزار افغانی زحمتکش بزرگوار به فریب تب روانه ایران شده و به خیل نزدیک به یک میلیون افغانی مهاجر زمان طاغوت اضافه شده اند. وگنسی حساب این تظاهر کنندگان، که چیزی شبیه ضد انقلابین فراری ایرانی در لندن پاریس و آمریکا هستند، با آن توده زحمتکش بیگلی چاد است. این تظاهر کنندگان جزئی از اجرا کنندگان بخشی از توطئه منظم آمریکا می بودند، که در هفته های اخیر جو ضد شوروی سابقه ای را ساختند، باز به ای در دست نقشه وسیع برژینسکی می بودند، که هدفش تیره کردن روابط ایران و شوروی، امسئ کردن آمریکا، جدا کردن ایران از دوستان مدیقتش و ضربه پذیر کردن انقلاب است این سیاست سه ساله و به یکبار آمریکا است. زویداد ۶ دی تنهسا بهره ای از این بازی بزرگ آمریکایی است. ایسن آمریکا است که می گوید با تمام قوا از مسئله افغانستان بهره گیری کند، تا راه انقلاب را کج و جو شوروی متوری زا غالب و انتظار را از دشمن اصلی منحرف کند. سخنان رهبران در همان روز بهترین نشانه این امر بود و متأسفانه برخی موضع گیریهای سیاست خارجی ما، مطابق با همان نیت و مقاصد آمریکا و بنومسی اجرای همان سیاست قطب راده بود. ۶ دی پهانه ای بود، که آمریکا در نقشه وسیعتر خود، همزمان با عناصر تبلیغاتی دیگر، که آنها را بموقع سازمان داد، دستا ویزی به یاد و سیاست خود راهپاده کند. چه بسیار کشنبرهای مطبوعاتی و عناصر نفوذی در ارگانها و دشمنان گاه، که به آمریکا کمک کردند و چه امیسوس که بسیار دوستان انقلاب نیز تا آگاهانه در دام برژینسکی افتادند و آب به همان آسیاب ریختند.

سال مسیحی ۱۹۸۲ گذشته سالیکه پراز حوادث شنا- کوار بود. در ظرف سه هفت سالیکه از پایان جنگ جهانی دوم میگذرد، کمتر دوران نروا می توان یافت، که امپریالیسم هار، حتی بدون سنجش پیمادهای سیاست خویش، این چنین دیوانه وار و خشک سرانه به ماجراجوشیهای آشکار دست زده باشد.

همزمان با ژرف شدن بحران عمومی سرمایه داری که از اواسط سالهای دهه هفتاد، با مرحله نوینسیسی گذاشت - و سال گذشته - یکی از حادترین سالهای آن بود - گرایشهای ماجراجویانه و تجار و زکارانه نیز در کشورهای امپریالیستی، بویژه در آمریکا، اوج گرفت. تمام پیش بینیهای کارشناسان نوینسیسی هائی دولت مردان کشورهای سرمایه داری درباره توقف سیر نزولی بحران اقتصادی در سال ۱۹۸۲، دروغ از آب درآمد. بحران اقتصادی در این کشورها نه تنها فروکش نگذرد، بلکه به تلمروهای تازه ای از تولید بزرگ

منعنی، متالورژی، اتوموبیل سازی، ماشین سازی، صنایع الکترونیک و الکترونیک و غیره سرایت کرد و هزاران شرکت، حتی شرکت های بزرگی مانند آی تی را بوردستگی تهدید نمود. تنها در

ژاپن که در حال حاضر "شکوفاترین کشور سرمایه داری است، ۱۸ هزار شرکت بزرگ و کوچک ورشکست شدند.

بحران بویژه به نیرومندترین مراکز دنیای امپریالیستی: ایالات متحده، ژاپن و جمهوری فدرال آلمان راه یافت. در آمریکا ۳۰ درصد قدرت صنعتی کشور

عاطل ماند. تعداد بیکاران در ایالات متحده از مرز ۱۲ میلیون گذشت. در ژاپن شمار بیکاران به بیش از ۱/۵ میلیون نفرا افزایش یافت. در آلمان غربی طبق آمار رسمی، ۲/۵ میلیون نفر بیکارند. افسوس

تولید صنعتی تعداد بیکاران را در اروپای غربی و آمریکا مجموعاً به ۳۰ میلیون نفر رساند.

سرن کشورهای عمده سرمایه داری بارها نشستند و برخاستند، تا برای این بیماری مزمن، که از سرشت

نظام منطشان سرچشمه میگیرد، چاره ای بیابند، و هر بار این کنفرانسها و گرد هم آیدها چیزی جز حرفهای توخالی بی پایه و ریشه است. بحران اقتصادی تفادهای درونی

جهان سرمایه داری را شوت بخشد. جنگ بزرگ نی بین اروپای غربی و آمریکا، بین ژاپن و اروپای غربی،

بین ژاپن و ایالات متحده ابعاد گسترده ای یافت. در سیستم بزرگانی "آزاد" شکاف عمیقی پدیدار

گشت و هر یک از سه قطب عمده جهان سرمایه داری: آمریکا، اروپای غربی، ژاپن کوشیدند، تا با

کشیدن دیوار ضمیمی از اقدامات حفاظتی و گمرکی و تصمیمات محدود کننده برای صادرات سایر کشورهای

اقتصاد خود را از دستبرد رقیبان در امان نگاهدارند. تلاش امپریالیسم آمریکا برای بیرون کشیدن خود از بحران

بحران متحدهان "خویش از جمله از راه اخلال در روابط بازرگانی آنها کشورهای سوسیالیستی، با شکست

مفتضانه روبرو گشت. گرایشهای در ساختن لوله گاز سیمبری - اروپای غربی، از طریق تحریم ارسال

وسایل فنی به اتحاد شوروی، سیاستی که حکومت ریگان با عناد دنبال می کرد، بی نتیجه ماند.

بحران اقتصادی در کشورهای رشد یافته سرمایه داری تا شریات ویرانگر خود را بویژه در کشورهای رشد یافته، به پایا رجهانی سرمایه داری وابسته هستند،

بجای گذاشت. بنا به ارقام منتشره از سوی بانک جهانی، میانگین رشد تولید ناخالص این کشورها در سال گذشته از نیم درصد تجاوز نکرده است. تعداد کسانی که در این

کشورها در فقر مطلق بسر می برند، طی یکسال، از ۷۵ میلیون نفر به ۸۰ میلیون نفر افزایش یافته است. این سیر صعودی، طبق برآورد بانک جهانی، در تمام سالهای دهه نهم ادامه خواهد یافت.

مسئله روابط اقتصادی بین کشورهای رشد یافته و کشورهای امپریالیستی، یکی از مهمترین مسائل در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال گذشته و همچنین در سازمان همکاریهای بین المللی بود. سخنان نمایندگان کشورهای رشد

یافته درباره لزوم برقراری یک نظام نوینسیسی اقتصادی بین المللی، که در آن کشورهای فقیر هر

روز فقیرتر و کشورهای غنی غنی تر شوند، در کشورهای امپریالیستی گوش شنوایی نیافت. ریگان موضع

دولت خود را در این مورد صریحاً اعلام داشت و گفت: دولت آمریکا با هرگونه رابطه ای که بیرون از نظارت

موسسات مالی و انحصارات امپریالیستی شکل گیرد، مخالف است و در برابر هر اقدامی که از سوی کشورهای رشد یافته برای برهم زدن موازنه اقتصاد آزاد بعمل آید،

واکنش جدی نشان خواهد داد. معنای سخن ریگان آنست که کشورهای رشد یافته باید صریحاً خود را به روی

انحصارات فرامیستی و با نگاهی کشورهای امپریالیستی و سرمایه گذاری کشورهای امپریالیستی بازنگارند و امپریالیسم آمریکا به

آنچه کشورهای رشد یافته نظام نوین اقتصادی بین المللی می نامند، جز بدیده دشمنی نمی نگرد.

بحران اقتصادی همواره با گرایشهای تجار و سرمایه و میلیتاریستی در سیاست کشورهای امپریالیستی

همراه بوده است. ملاحظه این سیاست بصورت توسعه مسابقه تسلیحاتی، مذاخله مسلحانه در سایر کشورهای،

تحرکات و توطئه ها علیه جنبشهای انقلابی و ضد- امپریالیستی و برافروختن جنگهای تجار و زکارانه

نیامان می گردد. سیاست توسعه مسابقه تسلیحاتی امپریالیسم

در سال گذشته، با واکنش گسترده خلقهای اروپا و آمریکا روبرو گشت. جنبش ضد جنگ رشد یافته ای یافت، در

اروپای غربی ۲۰ میلیون نفر در تظاهرات ضد جنگ شرکت نمودند. در آمریکا، همزمان با تشکیل دومین

اجلاس ویژه سازمان ملل متحد در مورد خلع سلاح، یک میلیون نفر از مردم آمریکا در نیویورک دست بظواهر

زدند. در آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و سایر کشورهای اروپا نیز صدها هزار نفر در راه پیمایشها و

تظاهرات ضد جنگ شرکت نمودند. جنبش ضد جنگ در انگلستان شکل جالبی بخود گرفت. سی هزار زن، کم

از سایر اروپا آمده بودند، با یکا هوشنگی آمریکا در گریه ها مگاسن واقع در ۶ کیلومتر لیندن در حلقه

معا سره گرفتند و روی سیم های خار داری، که در اطراف پایگاه کشیده شده است، عروسکه کفشهای یچکانسه،

عکسهای خانوادگی خود را آویختند و در برابر پایگاه اردوگاه های معتدد بر پا کردند، برخی نیز از عبور

نظامیان به پایگاه ها را سد کردند و تا حرکت انسان شدند. مقاومت خلقهای اروپا و آمریکا در برابر

سیاستهای میلیتاریستی، علاوه بر شرکت در جنبش ضد جنگ بصورت طرد احزاب مرتجع در انتخابات تبارلانی

نیز ظاهر گشت. در تمام انتخاباتی که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا در سال گذشته انجام گرفت احزاب

معا فظه کار و مرتجع با شکستهای بزرگی روبرو شدند. در آمریکا حزب ماکرات، رقیب حزب جمهورخواه ریگان اکثریت مطلقاً در انتخابات مجلس نمایندگان به دست آورد. در انتخابات سوئد، یونان، اسپانیا و سایر کشورهای نیز احزاب سوسیالیست بر سر کار آمدند. مذاخلات مسلحانه و توطئه های براندازی امپریالیسم در نقاط مختلف جهان اغلب عقیم ماند. شکست

ماجراجوشی رژیم صهیونیستی اسرائیل در لبنان را شاید بتوان بزرگترین شکست امپریالیسم در سال گذشته بحساب آورد. این ماجراجوشی برای رژیم صهیونیستی اسرائیل، و بالنتیجه حامیان آمریکائی آن، بسیار گران تمام شد. تلفات سنگینی که در این جنگ بر ارتش متجاوز اسرائیل وارد شد، هدفهای تجار و زکارانه و ماجراجویانه این جنگ، که برای مردم اسرائیل قابل هم نبود، بزرگترین تشنجهای داخلی را در تاریخ رژیم صهیونیستی اسرائیل بوجود آورد. هر چند وزارت دفاع اسرائیل آمار حقیقی تلفات خود را

گفته را بعهده می‌گیرد، اما اطلاعاتی که از بنا به سر  
ارتش اسرائیل بدست ما زمان آزادبخش فلسطین  
افتاده است، نشان می‌دهد که تلفات اسرائیل در این  
جنگ، از کشته و زخمی، رقمی بالای ۲۰ هزار نفر برآید.  
چنین مد جنگ، نظرات و اعتصابات بزرگی که  
بدنبال این جنگ اسرائیل را در بر گرفت، نه تنها  
زمانداران صهیونیست، بلکه امپریالیستهای  
امریکائی را نیز به شدت نگران ساخت. طرح صلح  
ریگان اعتراف به شکست سیاست روز در رابطه با  
کشورهای عرب همسایه اسرائیل بود. ایستادگی  
نیروهای متحد سوری، فلسطینی و لبنانی در برابر  
ارتش اسرائیل و تلفات سنگینی که بر آن وارد  
کردند، نیز اعلی تسلیم طلبان عرب را، که مدعی بودند  
اعراب قادر به رویارویی نظامی با اسرائیل نیستند  
برباد داد. تجاوزگران صهیونیست حمله خود را بر  
لبنان بر پایه تجزیه و تحلیل وضع موجود و اختلاف نظر  
در میان اعراب و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد  
صهیونیستی طرح بزرگی کرده بودند. جنگ تخیلی مدا  
برایران، هردو کشور عراق و ایران را عملاً زامکان  
مبارزه موثر بر ضد رژیم صهیونیستی اسرائیل محروم  
کرده بود و توازن نیروها را در منطقه بسود رژیم  
صهیونیستی اسرائیل تغییر داده بود. اسرائیل می-  
خواست، تا این جنگ را ادامه دهد، کلوز آبکسره کند،  
سازمان را از بینش فلسطین رانا بود کند و سوری را از  
پا در آورده. رژیم صهیونیستی اسرائیل در حقیقت  
امریکا به هیچیک از این هدفها خود دست نیافتند.  
فرسال گذشته سیاست حضور نظامی امریکا در منطقه  
ما شکلها می‌بخود گرفت. دولت امریکا اعلام کرد، که  
یک "سرفرماندهی" دائمی بنا "سرفرماندهی مرکزی در  
جنوب غربی آسیا" برای منطقه ما تأسیس کرده است  
که بزرگترین نیروی نظامی امریکا در خارج از بهیمان  
"ناخو" خواهد بود و بیست کشور را، از شمال شرق تا  
پاکستان (از جمله ایران) در بر می‌گیرد. مطبوعات  
غرب اطلاع دادند، که این "سرفرماندهی" علاوه بر مقابله  
با "خطر شوروی"، که وزن شعرتما می‌ستهای امپریالیستی  
است برای رویارویی با "خطرات داخلی"، که کشور  
های نفت خیز دوست امریکا را تهدید می‌کند، بوجود  
آمده است و ما مورث دارد، که در صورت بروز چنین  
"خطری" تمام این کشورها را اشغال و از تجدید حاد می،  
که با سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران روی داد، جلوگیری  
کند.

بدنبال سفر ضیاالحق به امریکا، نقش شومی که  
پاکستان در این سیاست امپریالیسم با بدبهده بگیرد  
در مطبوعات جهان نامکان یافت. امپریالیستهای  
امریکا شوا نگلیسی میدوارند که با تشکیل یک اتحادیه  
سرپوشیده در حول محور ریاض - اسلام آباد و برافراشتن  
پرچم "اسلام" امریکا می‌بوسیله آن، سدی در برابر اسلام  
انقلابی در منطقه برپا کنند. "مسئله افغانستان بعنوان  
آتشگیره این اتحادیه ارتجاعی با بدبهده در دستور  
روزیاتی می‌ماند. ریگان در پیام خردینا سمیت پلایز  
مسیحی، اعلام داشت که ایالات متحده از "میسسارزان  
افغانی" که در راه برقراری "حکومت اسلامی" در کشورشان  
بها خاسته اند، با تمام امکانات خود پشتیبانی میکند.  
پاسخ مردم افغانستان به این پیام بگراه بهمان ۲۰۰  
هزار نفری در شهر کابل، با شعار "مرگ بر امریکا"، مرگ  
بر ارتجاع" بود.

از مهمترین حوادث سال گذشته، پیدایش گرایش  
های واقع گرایانه در سیاست خارجی چین بود. رهبری  
چین، پس از سالها شعار و نوسانهای ذهن گرایانه، بالخوا  
به این نتیجه رسید که سیاست ضد شوروی چین هیچ منفی  
برای آن کشور بیار نخواهد آورد. تمایل رهبری جدید  
چین به بهبود مناسبات با اتحاد شوروی، با استقبال  
رهبران این کشور روبرو شد. در آخرین روزهای سال  
گذشته، مجله کمونیست، ارگان کمیته مرکزی حزب  
کمونیست اتحاد شوروی، مقاله آندری کرومیکو وزیر  
امور خارجه اتحاد شوروی را در توضیح مواضع اتحاد  
شوروی نسبت به گرایش جدید در رهبری جمهوری خلق چین

منتشر نمود. در این مقاله گفته میشود که دو کشور بزرگ  
همسایه میتوانند تمام مسائلمورد اختلاف خود را با  
مذاکرات دوستانه حل کنند و عادی شدن مناسبات بین  
آنان نه تنها در روابط دو کشور، بلکه همچنین در بین  
ملحوظا منبیت در آسیا و سراسر جهان نقش بزرگی ایفا  
خواهد نمود.

میتوان انتظار داشت که در سالو به شرفتهای  
تا زهای دوازدهمین بدست آید. عادی شدن روابط  
اتحاد شوروی و چین به صورت شکست دیگری بسرای  
امپریالیسم امریکا بحساب می‌آید، هر چند هنوز زود  
است که این تحول در سیاست خارجی چین را کامی در  
جهت بازگشت این کشور سوسیالیستی بمواضع انتر-  
ناسیونالیسم واقعی برولتری محسوب داشت.

رو به رفته با بدگفته که ما در سال گذشته کمتر موردی  
دا می‌توانیم تا بهمین، که در ضیای امپریالیسم در زمینههای  
اقتصادی، سیاسی، اجتماعیه پیروزی کم و بیش چشمگیری  
دست یافته باشد. توطئه ها فراوان بوده اند، اما  
هر روزها هیچ اند. هارترینها بندگانه مجتمع صنعتی  
نظامی، که در امریکا و انگلستان، بحکومت رسیده اند  
و هم اکنون در تمام مسائل جهان دست بردارند یکدیگر  
عملی میکنند. نتوانسته اند، علمبرگ ما چرا جوشهای  
خود در لبنان، فاکلند، لهستان، افغانستان،  
نیکاراگوئه و سایر نقاط گیتی، اوضاع جهان کنونی  
را بسود خود تغییر دهند.

تا که میباید که حکومت ریگان در محنته بهینا انقلابی  
با آن زویر شده است چنانچه همیشه حاکم امریکا را به  
باز نگری در عواقب این سیاست برانگیخته است.  
مما حیه نیکسون رئیس جمهور سابق امریکا با مجله  
امریکا می "تا بهیم" را میتوان جایز ترین نتیجه گیری  
این جناح زیست خارجی ریگان در ارتباط با مسائل  
جهانی دانسته نیکسون در این محامه سیاست خارجی  
ریگان را در مورد دنیا سوسیالیسم به نقد کشیده میگوید  
"در رهبری کشور ما مکتبی وجود دارد، که معتقد است  
سیاست سرسختانه امریکا می‌تواند طرف مقابل (اتحاد  
شوروی) را به قبول تغییر در سمت دلخواه ما وارد سازد  
من رزومندم که چنین چیزی حقیقت مر داشت. اما چنین  
نیست". نیکسون این سیاست ریگان - و این برگیر  
را که عقیده دارند، با پیاده کردن برنامه "سه"  
تسلیماتی آنها، ایالات متحده می‌تواند بر اتحاد  
شوروی برتری نظامی بدست بیاورد، رد کرده میگوید  
"شورویها ثابت کرده اند که می‌توانند در هر شرایطی  
مردم را بقبول محرومیت بخاطر داشتن بکنیرونی نظامی  
قدرتمند و دارا سازند". (که البته از نیکسون ناپسند  
توقع داشت، که جزا این لحظه در مورد اتحاد شوروی  
بگردد). نیکسون سیاست ریگان در مورد محاصره  
اقتصادی و فشار نظامی بر کشورهای سوسیالیستی اسپانی  
به دورنما خوانده، حکومت امریکا را به مذاکره در  
باره کاهش تسلیمات، همکاریها اقتصادی و تمان  
های بیشتر با اتحاد شوروی دعوت می‌کند و می‌گوید:  
"نبا بدگذاشت که یک درگیری در خاور میانه یا هر جای  
دیگر، کار را به جامعه شما شورا غا ز یک جنگ هسته ای  
بکشاند".

البته در بین محافل حاکم امریکا تنها نیکسون  
نیست، که با سیاستهای جناح ریگان مخالف است  
و آنرا مغایر با منافع ملی امریکا میدانند. هم اکنون  
چه در کنگره و چه در خارج از آن، چه در حزب خود ریگان و  
چه در حزب دموکراته نیکسون های زیبا دیرا میتوان  
یافت، که عواقب شوم سیاست میلیتاریستی ما چرا  
جواب نبرگ نیز از امرای کشورشان تشخیص میدهند. در  
میان متحدان اروپائی ایالات متحده نیز تعدادی این  
گونه شخصیتها کم نیست.

میتوان گفت که اختلاف در محافل حاکم دنیسای  
امپریالیسم بر سر نحوه ارتباط با دنیا سوسیالیسم  
هرگز تا این پایه وسعت نیافته است و این غنسود  
نشانهای سیاسی و تزلزل در کل نظام امپریالیستی است  
که چه در سیاست همزیستی با کمیت امپریالیستی است  
رویا روشی، راهی برای اجتناب از رژیم محکوم به زول امرایه  
داری نمی‌بینند.